

در قوانین و مقررات حاکم بر امور مطبوعات، ضمن اعمال حاکمیت دولت، حقوق و امتیازهای خاصی نیز برای روزنامه نگاران منظور شده است. با این حال در مواردی، پاره‌ای عوامل به امنیت شغلی و استقلال حرفه‌ای روزنامه نگاران خدشه وارد کرده و مطبوعات را در انجام فعالیت پر جوش و مؤثر با دشواریهایی رو به رو می‌کنند. بررسی مسایل و اتفاقات پیش آمده، نشان می‌دهد که به جز چند استثنا، دو عامل اصلی در این زمینه وجود دارد:

۱. ناآگاهی برخی از مسئولان اجرایی یا گروههای فشار از چارچوب حقوق قانونی مطبوعات و تجاوز به حریم آن،
 ۲. تخطی بعضی از روزنامه نگاران از محدوده اختیارات و حقوق قانونی خود و مختل کردن نظم عمومی.
- در اینجا برای رفع این معضلات، می‌پردازیم به شرح حقوق و امتیازهایی که در حال حاضر در قوانین و نظامات ایران برای مطبوعات پیش بینی شده است.

آزادی بیان

تضمین استقلال و آزادی بیان از حقوقی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۴ برای مطبوعات قایل شده است. به موجب این اصل: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.»

البته به طور مسلم این آزادی نیز مانند سایر آزادیهای اجتماعی نمی‌تواند مطلق باشد و تابع مقرراتی است تا از سوء استفاده و تجاوز مستقیم اشخاص متجاوز به حقوق و شخصیت و آزادی افراد جلوگیری شود. به همین علت، اصل ۲۴ قانون اساسی دو شرط لازم برای آزادی مطبوعات مقرر داشته است:

- الف- مخل به مبانی اسلام نباشد،
 - ب- مخل حقوق عمومی نباشد.
- در عین حال، برای آنکه در عمل این دو شرط تفسیر موسع نشده و موجبات تضییق آزادی مطبوعات فراهم نگردد، قانون اساسی تفصیل موضوع را به قانون عادی واگذار کرده است.

در قانون عادی مورد نظر نیز - که همان قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ است - قانونگذار موارد مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی را کلاً در بندهای ذیل ماده

حقوق قانونی مطبوعات در ایران

حمید مقدم فر

حمید مقدم فر، قاضی دادگستری و مدیر نشریه اوجدی مراغه است.



۶ مشخص کرده و بر شمرده است تا مورد تعبیر و تفسیرهای شخصی قرار نگیرد. بنابراین، اصل بر آزادی بیان در مطبوعات است و موارد تصریح شده در بندهای یک تا ۹ ذیل ماده ۶ قانون مطبوعات، استثناً بر این اصل محسوب می‌شود.^(۱)

ممنوعیت سانسور

برای حفظ استقلال و حق آزادی بیان در مطبوعات، سانسور و کنترل نشریات نیز به موجب ماده ۴ قانون مطبوعات ممنوع شده است و طبق صریح این ماده، هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند. بدین ترتیب، هرگونه تفتیش و مراقبت در مطالب مطبوعات یا حذف مطالبی از طرف هر مقام و شخصی، ممنوع است. همچنین هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید.

بدیهی است گرچه هرگونه کنترل در مطبوعات ممنوع شده است، لیکن برای حفظ حقوق اجتماع و افراد، در مواردی که مطبوعات مرتکب جرمی شوند، مدیر مسئول یا نویسنده یا هر دو بر حسب مورد تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

حق انتقاد

مطبوعات حق دارند نظرها، انتقادهای سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولان را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج کنند و به اطلاع عموم برسانند.^(۲)

در اینجا مطلبی که باید روشن شود، تشخیص حدود انتقاد با افترا و توهین است. اگر توهین و افترا جرم است، انتقاد سازنده و منصفانه از روش سیاسی و اداری متصدیان امور دولتی و مملکتی و سایر اشخاص، نه تنها جرم نیست، بلکه از مهمترین وظایف مطبوعات است. در عین حال، برای جلوگیری از سوء استفاده از این حق، قانونگذار در ماده ۳ قانون مطبوعات و تبصره ذیل آن، علاوه بر اینکه دامنه انتقاد را محدود به رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه کرده، انتقاد سازنده را مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین و تحقیر و تخریب دانسته است. برای شناخت تفاوت توهین و تحقیر و

تخریب با انتقاد، باید به کیفیت جملات و الفاظ و نیت انتقاد کننده توجه کرد، و آنچه که در عرف روزنامه نگاری نقد و انتقاد می‌دانند از آنچه که توهین، تحقیر و تخریب خوانده می‌شود، جدا کرد. گفتنی است که در مورد انتقاد سازنده نیز ماده ۲۳ قانون مطبوعات، حق پاسخگویی را برای ذی‌نفع مد نظر قرار داده است.

حضور هیئت منصفه در دادرسی مطبوعاتی

یکی دیگر از حقوق و امتیازهایی که روزنامه نگاران دارند، حضور هیئت منصفه در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی است.

صلاحیت این امر را اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۴ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ چنین تصریح کرده است:

«رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد...»

«به جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات، در دادگاه صالحه با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود.»

در مورد جرایم مطبوعاتی، فلسفه ایجاد هیئتهای منصفه به خاطر این بوده است که اعضای هیئت منصفه بیشتر از قاضیان حرفه‌ای نماینده افکار عمومی هستند و بهتر از آنان می‌توانند در مورد هر جرم مطبوعاتی به دقت اظهار نظر کنند که آیا انتشار خبر یا مقاله‌ای خاص، سوء استفاده از آزادی و در نتیجه جرم است یا یک انتقاد اساسی است که نه تنها جرم نیست، بلکه وظیفه مطبوعات است. در حال حاضر، در قوانین ایران موارد شرکت هیئت منصفه در دادرسیها شمرده شده و قانونگذار فقط در رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی حضور هیئت منصفه را پیش بینی کرده و این حق را برای مطبوعات قایل شده است.

صلاحیت رسیدگی محاکم دادگستری

مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. این حق، امتیاز خاصی برای مطبوعات است، زیرا محاکم اختصاصی خارج از قلمرو قوه قضاییه، و زیر نفوذ قوه

مجریه‌اند. و بدین روی، اغلب علمای حقوق جزا، وجود این نوع محاکم را دلیل و وسیله‌ای بر اعمال نفوذ قوه مجریه در قوه قضاییه می‌دانند. به نظر آنان، دادگاههای اختصاصی در بیشتر موارد آلت دست قوه مجریه‌اند و در برابر این دادگاهها که آیین دادرسی ویژه‌ای نیز دارند، حقوق و آزادیهای متهم به نحو مطلوب تأمین نمی‌شود و دادرسی زیر نفوذ قوه مجریه قرار می‌گیرد.

در کشور ما تا قبل از استقرار نظام جمهوری اسلامی، تعداد زیادی دادگاه اختصاصی وجود داشت و دیوان کیفر کارکنان دولت و کمیسیونهای امنیتی از جمله آنها بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به خاطره‌های ناگوار و حزن‌انگیز دادرسیهای محاکم اختصاصی و فرمایشی بودن آرای این محاکم، سعی بر این شد که قلمرو صلاحیت این نوع محاکم کاهش یابد. مسلمانان فقهای مجلس خبرگان نیز به این مسئله حیاتی به خصوص در مورد مطبوعات توجه داشته‌اند و در اصل ۱۶۸ قانون اساسی رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را در صلاحیت محاکم دادگستری قرار داده‌اند تا بعداً با وضع قوانین عادی بتوان آن را تغییر داد.

ماده ۳۴ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز به پیروی از اصل ۱۶۸ قانون اساسی، مقرر داشته: «به جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود». در اینجا منظور از دادگاه صالحه، دادگاههای کیفری یک و دو، دادگاه انقلاب اسلامی، دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه نظامی و از این قبیل است که با توجه به نوع جرم ارتكابی و شغل و مقام متهم، صلاحیت رسیدگی را خواهند داشت. این دادگاهها همه تابع قوه قضاییه‌اند.

علنی بودن دادرسی مطبوعاتی اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است...». به موجب این اصل، مجرم مطبوعاتی باید علناً محاکمه شود تا این امر جلو بسیاری از مفاسد و مزیقه‌ها و دیکتاتوریها را بگیرد.

به طور کلی، منظور از علنی بودن دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند و به اجرای دقیق قوانین، بی‌نظر بودن دادرسان و وجود

عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند، و مطبوعات نیز بتوانند جریان دادرسی را انتشار دهند تا کارکرد دادگستری مورد سنجش و ارزیابی افکار عمومی قرار گیرد. قبل از اصل ۱۶۸ قانونی اساسی، اصل ۱۶۵ نیز به نحو اطلاق، علنی بودن کلیه محاکمات را - به استثنای چند مورد - تصریح کرده است.^(۳) لیکن به لحاظ اهمیت زیاد مطبوعات، این موضوع مجدداً در اصل ۱۶۸ تأکید شده و به موجب آن دادرسیهای مطبوعاتی بدون استثناء باید علنی باشد و به هیچ دلیلی نمی‌توان در این گونه محاکمات، دادگاه را سری اعلام کرد.

حق انتشار اخبار

کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، حق قانونی مطبوعات است. مطبوعات در اعمال این حق، علاوه برداشتن اهداف مبنی بر افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه، باید رسالتی را که ماده ۲ قانون مطبوعات بر عهده آنها گذاشته مد نظر قرار دهند^(۴) و از حدود تعیین شده در ماده ۶ همان قانون نیز تجاوز نکنند.

استفاده از زبانهای محلی و قومی

مطابق اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از زبانهای محلی و قومی در سراسر کشور حق قانونی مطبوعات است. در این راستا، مطبوعات می‌توانند تمام یا قسمتی از مطالب خود را به زبانهای محلی یا قومی منتشر کنند. این اصل، مقرر می‌دارد: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد و لی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است».

باتوجه به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این اصل برای حفظ وحدت ملی و جلوگیری از تزلزل آن، تأکید دارد که اسناد و مکاتبات و متنهاى رسمی و کتابهای درسی به زبان و خط فارسی باشد و تدریس ادبیات محلی و قومی در مدرسه‌ها

نیز در کنار زبان فارسی صورت گیرد. ولی در مورد مطبوعات، استثنائاً هیچ گونه محدودیتی برای استفاده از زبانهای محلی و قومی قایل نشده است.

تأکید این امر در قانون اساسی، بیشتر بدین منظور بوده که بعداً نتوان با تصویب قوانین عادی این حق را از مطبوعات سلب یا آن را محدود کرد.

چاپ آگهیهای تبلیغاتی و دولتی

چاپ آگهیهای تجاری و دولتی از حقوق مطبوعات است. تمرکز و توزیع آگهیهای دولتی، ثبتی و دادگستری به مطبوعات از وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است^(۵) و مطبوعات نیز موظفند نرخ این گونه آگهیها را براساس تعرفه دولتی محاسبه و وصول کنند. برعکس، در مورد آگهیهای تجاری، مطبوعات در گرفتن مستقیم آگهی و تعیین میزان بهای آن آزادی کامل دارند، ولی در تنظیم و چاپ این گونه آگهیها مکلف به رعایت نکات زیر هستند:

الف. آگهیهای تبلیغاتی باید با موازین شرعی و قانونی کشور منطبق باشد؛ ب. استفاده از تصاویر و عناوین مقامات عالی رتبه مملکتی و تمثال پیشوایان مذهبی و شخصیتهای تاریخی و فرهنگی کشور در آگهیهایی که هدف آنها ارائه کالاهای مصرفی و خدمات مشابه می باشد، ممنوع است؛

پ. آگهیهای تبلیغاتی نباید خدمات یا کالاهای دیگران را بی ارزش یا بی اعتبار جلوه دهد؛

ت. در آگهیهای تبلیغاتی، ادعاهای اثبات نشدنی و مطالب گمراه کننده نباید گنجانده شود؛

ث. آگهی تبلیغاتی نباید محتوای گفتار یا تصاویری باشد که برای اخلاق و معتقدات مذهبی و عفت عمومی توهین آمیز باشد؛

ج. در آگهیهای تبلیغاتی نمی‌توان از قول منابع علمی ادعایی کرد که از طرف منابع موثق علمی تأیید نشده باشد؛

چ. تبلیغ کالاهای بازرگانی و خدمات تجارتي در کودکانها، دبستانها، دبیرستانها ممنوع است؛

ح. تحقیر و استهزای دیگران تلویحاً و یا تصریحاً در آگهیهای تبلیغاتی ممنوع است؛

خ. تبلیغاتی که مروج فساد یا مخالف

ادیان رسمی و برخلاف عفت عمومی باشد، ممنوع است؛

د. تعیین جایزه در مقابل تشویق به خرید و مصرف ممنوع است؛

ه. آگهیهای مربوط به خواص مواد غذایی، آشامیدنی، بهداشتی و آرایشی طبق مقررات مربوط، مستلزم گرفتن اجازه قبلی از وزارت بهداشتی و بهزیستی است؛

و. تبلیغ در مورد خواص داروها ممنوع است، مگر طبق ضوابط ماده ۵ قانون مربوط به مقررات پزشکی و دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴.^(۶)

حق حضور در جلسات مجلس شورای اسلامی

به موجب ماده ۱۷۶ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، خبرنگاران مطبوعات در جلسات مجلس شورای اسلامی حق حضور دارند، اما باید کارت مخصوص همان جلسه را داشته باشند و در محلهای مخصوص تعیین شده حاضر شوند. به علاوه موظفند در تمام مدت جلسه نیز سکوت را رعایت کرده و از هر گونه تظاهر خودداری کنند.

انتشار قوانین و مذاکرات مجلس شورای اسلامی

انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید و قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجراست، مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.^(۷)

مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود.^(۸) البته سایر مطبوعات نیز مجاز به انتشار قوانین و مذاکرات علنی مجلس شورای اسلامی هستند، ولی روزنامه رسمی در این مورد قانوناً مکلف به انتشار است.

اعلان گزارشهای کمیسیون اصل ۹۰ روزنامه‌ها در صورت تمایل به اعلان، حق دارند گزارشهایی را که مربوط به عموم باشد و کمیسیون اصل ۹۰ از طریق تریبون مجلس اعلان می‌کند، بدون هر نوع تغییر و تفسیری به اطلاع عامه برسانند.^(۹)

نقل مطالب مطبوعات مخالف

به موجب ماده ۹ آیین نامه اجرایی

● به موجب ماده ۴ قانون مطبوعات، هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

● منظور از علنی بودن دادرسی (در جرایم مطبوعاتی) این است که افراد جامعه بتوانند در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند و به اجرای دقیق قوانین، بی نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند، و مطبوعات نیز بتوانند جریان دادرسی را انتشار دهند تا کارکرد دادگستری مورد سنجش و ارزیابی افکار عمومی قرار گیرد.

۶. مواد ۱۲ و ۱۳ آیین نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای آگهی و تبلیغاتی مصوب ۱۳۵۸.
۷. مواد ۲ و ۳ قانون مدنی.
۸. طبق اصل شصت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۹. ماده ۸ قانون نحوه اجرای اصل نمود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۵.

منابع و مآخذ

- آیین دادرسی کیفری. محمود آخوندی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۲.
- جرایم مطبوعاتی. پورطباطبایی، ماهنامه حقوق امروز، سال اول، ش اول (اسفند ۱۳۴۱)، ص ۲۳-۲۵.
- حقوق پزشکی. شیرین عبادی، تهران، زوار، ۱۳۶۸.
- حقوق جزای اختصاصی؛ جرایم مربوط به حیثیت و شرافت اشخاص. علی امین راد، تهران، مؤلف، ۱۳۶۹.
- حقوق کیفری اختصاصی. ابراهیم پاد، تهران، بی نا، چاپ سوم، ۱۳۵۲.
- دادگاه باید نظر هیئت منصفه را اعمال کند.
[سخنرانی] گودرز افتخار جهرمی، کارنامه مطبوعات، ش ۱۱ (هفته آخر آبان ۱۳۷۰)، ص ۵.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. دبیرخانه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، جلد ۳.
- مجموعه قوانین و مقررات مطبوعاتی. حمید مقدم فر، روزنامه اوحدی، ۱۳۶۹.
- مطبوعات: حقوق، حدود، جرایم. حمید مقدم فر، رسانه، سال اول، ش ۳ (پاییز ۱۳۶۹)، ص ۵۹-۶۳.
- هیئت منصفه و دادرسی مطبوعاتی در قوانین ایران. حمید مقدم فر، رسانه، سال ۲، ش ۷ (پاییز ۱۳۷۰)، ص ۳۲-۳۵.

استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی
۷. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید
۸. افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد
۹. سرقتهای ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروههای منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ از آنها باشد (حدود موارد فوق را آیین نامه مشخص می کند).
۲. ماده ۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴.
۳. اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعای خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».
۴. ماده ۲ - رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد، عبارت است از:
الف. روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده ۱
ب. پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است
ج. تلاش برای نفی سرزبندهای کاذب و تفرقه انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته بندی مردم براساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی
د. مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تذبذب، لغو، نژادپرستی، اشاعه فحشا و...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ امپریال اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی
ه. حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی نه غربی.
۵. بند ۵ ماده ۲ قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب اسفند ۱۳۶۵.

قانون مطبوعات، نقل مطالب مطبوعات و احزاب و گروههای منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به منظور تحقیق، نقد و رد مطالب در صورتی که تبلیغ محسوب نشود، بلامانع است.

مستثنا بودن از قانون نظام صنفی

روزنامه نگاران جزو صنفی هستند که تابع قانون و مقررات خاص می باشند و از شمول قانون نظام صنفی مستثنا هستند.
تبصره یک ذیل ماده ۲ قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۵۹ در این مورد حاکی است: «صنفی که دارای قانون و مقررات خاص هستند، از قبیل پزشکان، وکلای دادگستری، روزنامه نگاران، صاحبان دفاتر اسناد رسمی از شمول این قانون مستثنا می باشند».

پانوشتها

۱. ماده ۶ - نشریات جز در موارد اخلاص به میانی احکام اسلام و حقوق عمومی که در این فصل مشخص می شوند، آزادند:
۱. نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند
۲. اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی
۳. تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر
۴. ایجاد اختلاف مابین افشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسایل نژادی و قومی
۵. تحریص و تشویق افراد گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج
۶. فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسایل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و